

وحدت دو بخش قبرس،

تحولات و چشم اندازها

اسد طاهری
رهبران ترک و یونانی قبرس پس از بی نتیجه ماندن مذاکرات خود بر سر ادغام مجدد این جزیره، به کشورهای خود بازگشتند تا تکلیف طرح سازمان ملل را به دست مردم خود بسپارند. ترکیه و ترکهای قبرس، از طرح "کوفی عنان" برای ادغام دو بخش یونانی‌نشین و ترک‌نشین قبرس حمایت می‌کنند، ولی یونان و یونانیهای قبرس با آن مخالفاند. این مذاکرات که در سویس و با حضور امریکا، اتحادیه اروپا و رهبران ترکیه و یونان انجام می‌گرفت، نتوانست به نتیجه قطعی دست یابد و در جلسه پایانی آن مقرر شد که این طرح در ۲۴ آوریل، به همه‌پرسی عمومی گذاشته شود.

"گوتترفن هوینگن" نماینده اتحادیه اروپا، طرح سازمان ملل را بهترین و متعادل‌ترین راه‌حل خوانده و "کالین پاول" وزیر امور خارجه امریکا نیز با عادلانه خواندن این طرح، خواستار تأیید آن توسط یونانی‌نشینها و ترک‌نشینهای قبرس شد. اگر ترکها و یونان‌های قبرس به طرح یادشده رای مثبت دهند، این جزیره بار دیگر ادغام شده و در اول ماه مه، به‌عنوان یک کشور واحد در اتحادیه اروپا پذیرفته خواهد شد. در صورت مخالفت هر یک از طرفین، مقررات و مزایای اتحادیه اروپا شامل بخش شمالی جزیره که ترک‌نشین است نخواهد شد، زیرا از طرف جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده است.

یونانیهای قبرس می‌دانند که نتیجه همه‌پرسی هرچه باشد، آنها در اول ماه مه به عضویت اتحادیه اروپا در خواهند آمد و از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند. استاندارد زندگی آنها پنج بار بهتر از استاندارد زندگی ترکهای قبرس است و ادغام مجدد جزیره بدین معنی خواهد بود که سرمایه جنوب یونانی‌نشین به شمال فقیرنشین سرازیر گردد. البته انگیزه‌هایی نیز برای ادغام مجدد نزد یونانیها وجود دارد و حدود ۱۸۰ هزار یونانی قبرس منتظر بازگشت به خانه‌های خود در شمال هستند. لیکن طرف یونانی

پس از اطمینان از عدم خروج نیروهای ترکیه از بخش ترک‌نشین قبرس و نوسازی بازگشت آوارگان یونانی به خانه‌هایشان در شمال، با احتیاط مسائل را نگاه می‌کند. بنابراین، مشکل‌ترین بخش طرح کوفی عنان برای ادغام مجدد قبرس، همانا قانع کردن اکثریت یونانی‌نشین برای موافقت با طرح خواهد بود.

بر اساس طرح سازمان ملل، بخشی از آوارگان یونانی حق بازگشت به بخش شمالی را خواهند داشت و ترکیه نیروهای نظامی خود را به ۶۵۰ نفر تقلیل خواهد داد، اما بطور کامل عقب‌نشینی نخواهد کرد. سازمان ملل از سال ۱۹۶۴ به بعد در این جزیره حضور دارد و بیش از ۱۲۰۰ نفر به صلح بانی در آنجا مشغولند. بنابراین، به نظر می‌رسد که ترکهای قبرس در مقایسه با یونانیها، از مزایای بیشتری برخوردار خواهند شد. ترکهای قبرس ۱۸ درصد از جمعیت این جزیره را تشکیل می‌دهند و طبق طرح موجود، بر ۲۹ درصد از جزیره کماکان حاکم خواهند بود که از نظر یونانیهای قبرس ناعادلانه است. همچنین نیروهای ترکیه در این جزیره باقی خواهند ماند و این امر برای یونانی‌های قبرس که خاطرات آوارگی تجاوزات سال ۱۹۷۴ ترکیه را فراموش نکرده‌اند، یک فاجعه تلقی می‌شود.

با این وجود انتظار می‌رود که در هفته‌های آتی، فشار بر یونانی‌نشینها جهت موافقت با طرح عنان افزایش یابد. مخالفت یونانیهای قبرس می‌تواند پیامدهای بسیاری داشته باشد. انزوای بیشتر شمال، واکنش ترکیه، عضویت شمال در اتحادیه اروپا و عدم الحاق جنوب به آن و استفاده احتمالی بخش یونانی‌نشین قبرس از حق وتوی خود در اتحادیه اروپا برای مخالفت با پیوستن ترکیه به این اتحادیه.

به هر صورت، اقتناع یونانی‌نشینها برای آشتی مجدد با ترکهای قبرس دشوار خواهد بود.

آتش در خانه همسایه

نگرانی یا برکت

زینت میرهاشمی
جنگ، تروریسم و خشونت از جمله منابع تغذیه رژیم بنیادگرای ایران است. رژیم مبتنی بر ولایت فقیه خود را در یک جنگ چند ساله جا انداخت. ماشین سرکوب دولت جمهوری اسلامی به برکت جنگ با کشور همسایه به سرکوب و قلع و قمع مردم در داخل پرداخت و در رویای جهان گشایی اسلام، از ابزار تروریسم و خشونت در فرای مرزهای ایران استفاده کرد. عملکرد ۲۵ ساله رژیم گواه آن است که همواره از ابزار ترور و خشونت برای ایجاد رعب و پیش برد مقاصد خود استفاده کرده است. نقش عوامل رژیم در رویدادهای لبنان و حمایت از حزب الله، گروگانگیری اروپائیها در لبنان و سرانجام واسطه شدن برای آزادی گروگانها از جمله ابزارهای فوق است. اروپائیها ناتوان در مقابل سیاستهای تروریستی، برای آزادی گروگانهایشان رژیم ایران را واسطه قرار می‌دادند. سیاست مماشات گرانه غلطی که همواره از طرف کشورهای اروپایی در این گونه موارد در رابطه با رژیمهای تروریستی مثل ایران به کار رفته است از جمله عوامل رشد دهنده بنیادگرایی در بسیاری از نقاط جهان شده است. در رویدادهای اخیر در عراق، در حالی که رژیم ایران یکی از آتش به پا کنندگان معرکه می‌تواند باشد، مورد واسطه برای خوباندن بحران پیش آمده قرار گرفته است. رژیمی که سرتاپایش بحران زاست و در بحران و تروریسم می‌تواند زیست کند چگونه می‌تواند بحرانی را خاتمه دهد. شرایط پیش آمده دقیقاً به نفع جمهوری اسلامی است. نقشی که رژیم ایران در شرایط فعلی در رویدادهای عراق بازی می‌کند از یک طرف می‌خواهد جای پای خود را در آنجا محکم کند و خود را شریک در آینده عراق بداند، از طرفی دیگر بدین وسیله به عمر دیکتاتوری خود در ایران بیافزاید. هر گونه شرایط دموکراتیکی که در همسایگی ایران به وجود آید به نابودی رژیم ایران کمک خواهد کرد. به همین دلیل آتش در خانه همسایه بر خلاف حرف حسین صادقی برای رژیم می‌تواند یک نعمت الهی به شمار آید.

حسین صادقی مدیر امور خلیج فارس وزارت امور خارجه و رئیس گروه اعزامی ایران به عراق می‌گوید: «آتش گرفتن خانه همسایه همیشه مایه نگرانی همه همسایه‌ها است.» رفسنجانی عکس این جمله را چند روز پیش گفت. وی ناتوانی و ضعف آمریکا را نشان قدرت گیری رژیم جمهوری اسلامی دانست. پس برای برگرداندن قدرت باید اقدامهایی هم انجام داد. رویدادهای اخیر بدون شک نمی‌تواند از چارچوب این معادله قدرت برکنار باشد. دولت ایتالیا برای آزادی گروگانهای خود در عراق به رژیم ایران متوسل شد. بهای این سیاست غلط و مماشات گرانه دولت ایتالیا مثل همیشه با فشار بر مقاومت ایران پرداخت شد. دولت ایتالیا در خوش رقصی برای رژیم ایران، به دفتر شورایی ملی مقاومت در ایتالیا ریخته و آن را مورد بازرسی قرار داد. این سیاست دولت ایتالیا بر خلاف تمامی موازین دموکراتیک و حقوق بشر می‌باشد و محکوم است.

جست و خیر بر لبه تیغ

منصور امان
با اعلام درخواست رسمی وزیران امور خارجه ایتالیا و ژاپن از رژیم ملاحا برای دخالت وحل مساله گروگان گیری شهروندان این کشورها، جمهوری اسلامی به گونه ی آشکاری به جایگاه پدرخوانده آدم ربایان فراز یافته است. آقای فراتینی، وزیر امور خارجه ایتالیا، به صراحت به این امر با گفتن این که "کشورش برای آزاد کردن گروگانهایش در عراق توجه ویژه ای به ایران دارد" اشاره نموده است.

لحن آقای یوریکو کاگوشی، همتای ژاپنی فراتینی، از اونیز گزنده تراست. وی بدون سوء تفاهم جمهوری اسلامی را فرامی‌خواند "تا زهر راهی که می‌تواند به امر آزاد کردن گروگانها کمک کند".

توجه روزافزون به نقش رژیم ملاحا در برانگیختن و هدایت مقتدی صدر، نمی‌تواند موجب خشنودی کامل رهبران و پایوران حکومت از این سعادت اجباری و مشکوک، گردد. زیرا اگرچه وارد شدن در رل میانجی و آرام کننده اوضاع، به گونه بالقوه قادر به زرو جایی برای آنان در عراق و نزد سیاستهای ایالات متحده در این کشور است، با این وجود موفقیت این پروژه بی هیچ تردیدی در گرو حفظ یک فاصله ی متناسب با عوامل زیر ذره بین رفته خود در عراق قرار دارد.

تکذیب ماموریت میانجی گرانه هیات نمایندگی اعزام شده رژیم به عراق از سوی رییس آن آقای حسین صادقی، کمک زیادی به حفظ این فاصله نمی‌کند. زیرا دست مداخله گر رژیم ملاحا در این فرایند، بدان گونه دراز است که بزرگترین میزهای سیاست پنهانی نیز مانع از مخفی ماندن آن نمی‌گردند. در اثبات این امر همین بس که مقتدی صدر، بی درنگ پس از فراخوان امروز (چهارشنبه) رهبر حکومت ملاحا مبنی بر پایین کشیدن فتیله و "پیروی از علما و مراجع"، از کلیه شرایط پیشین خود برای خاتمه دادن به بحران صرف نظر کرده و توسط سخنگوی خود اعلام می‌کند: "آماده است تا هر آنچه را که مرجعیت شیعه می‌گوید بپذیرد".

آیت الله خامنه ای توسط این قدرت نمایی ناشیانه، حرکت رژیم بر لبه تیغ نازک سیاست مداخله گرایانه و باجگیرانه اش را شتاب بخشیده است. گمان نمی‌رود با کوله بار آدم ربایی و تشنج آفرینی، جست و خیزی این چنین، تأثیرات مفیدی برای ثبات گامها داشته باشد.

۲۷ فروردین ۸۳